۱۶۲

سلسله درسهای عرفانی

هُوَ
۱۲۱

گزیده‌هایی از بیانات حضرت آقای حاج دکتر نورعلی تابنده (مجذوب علیشاه)

بِسْمِ اللهِ الرَّحْمنِ الرَّحیم.

متشکّرم از همه‌ی آقایان و خانم‌ها [اطبّاء]، ببخشید خانم‌ها و آقایان، فرق نمی‌کند. تشکّرم بیشتر می‌شود وقتی که یک مطالبی شما بفرمایید که من هم یک چیزی یاد بگیرم. بسم‌الله!

[سؤال: یکی از آقایان دکترها که جزوه‌ای به انگلیسی، در مورد ترجمه و تفسیر سوره‌ی بقره گردآوری کرده بود و می‌خواست اجازه بگیرد که بقیه‌ی قرآن را هم ادامه بدهد یا نه؟]

خیلی متشکّر. بله، مسلّماً هر کاری راجع به قرآن، یک نفر آدم مسلمان معتقد، هر کاری، دستوری به قرآن بکند باید نگه‌داشت. بله! خیلی خوب است، گرچه چند تا مورد است که همه به هم مربوط است ولی هر کدام خیلی روی آن بحث می‌شود.

[سؤال در مورد لقاح مصنوعی:]

صحبت لقاح مصنوعی است و ناباروری. البتّه اینجا این مسائل بیشتر جنبه‌ی فقهی دارد و تا مسأله‌ی فقهی آن حل نشود، مشخص نشود، نمی‌شود راجع به آن صحبت کرد. مسأله‌ی فقهی آن هم بیشتر آقایان علما باید حل کنند آن هم عالمی که وارد به این مسائل باشد و تقریباً حل شده برای اینکه در انعقاد صحیح نطفه نگفتند که حتماً این نطفه از چه طریقی وارد رحم بشود، یا به آن یکی دیگر برسد. بنابراین به طریق طبّی هم در آزمایشگاه می‌توانند نطفه را از مرد بگیرند و به زنِ خودش وارد کنند. منتها این هست که نطفه و آن یکی دیگر متعلق به صاحبش است و از آن جدا نیست یعنی اگر نطفه از مرد می‌گیرند، فقط به زنی می‌شود داد که صاحب آن نطفه یعنی آن زن، آزاد باشد و بتواند با این ازدواج کند. مثلاً از یک مردی نمی‌شود نطفه گرفته و به خواهرش تلقیح کرد. بنابراین باید صاحب آن نطفه مشخص باشد، حالا نمی‌دانم اینجا مشخص است یا نه، در وضع امروزی؟ منظور این رعایت شود.

[سؤال: در روش‌های نوین برای درمان نازایی وقتی اهداء تخمک می‌شود یا در مورد رحم اجاره‌ای، مادر واقعی فرزند کیست؟ و آیا فرزندان اینها مانند فرزندان رضاعی به همدیگر محرم هستند؟ لقاح مصنوعی که در محیط آزمایشگاه است، در ایجاد شخصیت چه اثری دارد؟]

به احتمال قوی چون نطفه که شکل می‌گیرد از همان لحظه‌ی شخصش اخلاق می‌گیرد. بنابراین آدم نمی‌داند که این نطفه اخلاقش چه هست. خوش اخلاق است؟ بد اخلاق است؟ عصبانی است؟ اعصابش چیست؟ این هست ولی اینها هیچکدام موجب حرمت نمی‌شود. آدم بد اخلاق یا آدم خوش اخلاق هر طور باشد. همین مسأله‌ی نطفه اگر آقایان و خانم‌ها فکر کنند و چون مسأله مهم است، خواهش می‌کنم بنویسند که خجالت نکشند، بتوانند هر کدام نظری بدهند و بسیار مطلبِ لازمی است. امّا در دنیایی که هزار هزار آدم می‌کشند، بگردیم یک نطفه‌ای پیدا کنیم. ما حالا می‌گوییم که بله، علم است و باید پیشرفت کنند. مثلاً شما بگویید برای اینکه در سه قرن پیش، چه

آدم‌های عجیبی بودند، این همه گندم زیاد است، برای یک دانه گندمِ سبز رنگ به جای این گندمی که سفید است، یک گندم سبز رنگ به وجود بیاورند، چقدر زحمت می‌کشیدند! این هم هست که آیا ما جایی که اینقدر آدم می‌کشیم، جایی که می‌گوییم تنظیم خانواده یا امثال اینها آیا این، کارِ صحیحی است یا نه؟ آن یک بحث طبّی نیست، یک بحث آن‌طرفی است، آن هم داشته باشید.

حالا همه‌ی این مسائلی که ما می‌گوییم، یک ریشه‌ی اوّلیه در قرآن دارد یعنی مثلاً همین یک آیه‌ای که می‌گوید: ثُمَّ خَلَقْنَا النُّطْفَةَ عَلَقَةً فَخَلَقْنَا الْعَلَقَةَ مُضْغَةً... (سوره مؤمنون، آیه ۱۴) اینها هر کدامش یک مرحله‌ای است که خیلی می‌شود صحبت کرد، تا آنجایی که می‌گوید: فَإِذا سَوَّيْتُهُ وَ نَفَخْتُ فيهِ مِنْ رُوحي فَقَعُوا لَهُ ساجِدينَ (سوره حجر، آیه ۲۹/ سوره ص، آیه ۷۲) یعنی چه؟ سَوَّيْتُهُ چیست؟ و آنوقت همه‌ی چیزها را می‌گوید. می‌گوید: نطفه علقه آفریدیم بعد که اینها همه آماده شد، فَإِذا سَوَّيْتُهُ، پس این سَوَّيْتُهُ چیست دیگر؟ وَ نَفَخْتُ فيهِ مِنْ رُوحي، آن نفخه چیست؟ آن که دیگر معلوم است فَقَعُوا لَهُ. در این یک آیه خیلی می‌شود آقایان و خانم‌ها در این جلسه صحبت و بحث کنند.

اوّلاً همین آقایان که من می‌گویم همه‌اش آقایان یادم می‌آید برای اینکه این رسم در زبان عربی هست که رجال که می‌گویند، یک وقت منظور مردِ تنهاست یک وقت، وقتی می‌گویند رجال یعنی عددِ انسان‌ها. کما اینکه همین بحث پیش آمد که آیا رئیس‌جمهور می‌تواند زن باشد یا نه؟ گفتند، به عقیده‌ی من هم، وقتی می‌گوید: «رجالی» که اینطوری باشند، اینجا «رجال» یعنی همه، چه مرد و چه زن. این را حالا برای خوش‌آمد شما نمی‌گویم ولی مصلحت ممکن است این باشد که آقایانی کارهایی بکنند، رد کنند ولی این لغت من هم که می‌گویم: آقایان می‌توانند این کار را بکنند یعنی همه. از این جهت من را ببخشید.

از این آیات خیلی در قرآن هست که اگر توجّه به معنای آن بکنید ریشه‌ی بیشتر علوم از آن در می‌آید. کما اینکه می‌بینیم بسیاری علمای قرونِ قبل که هیچیک از این وسایل فعلی را نداشتند نه آزمایشگاه داشتند، نه حتّی ترازوی مطمئنی ولی حرف‌هایی گفتند که درست در می‌آید. اینها بیشتر، از یک آیه، یک نقطه استفاده کردند.

[سؤال: راجع به علقه و نطفه و... اشاره فرمودید که گوشت روی استخوان را می‌پوشاند. چه نکته‌ای در این آیه‌ی فَكَسَوْنَا الْعِظامَ لَحْماً وجود دارد؟ ما، در مراحل جنین‌شناسی نداریم که جداگانه گوشت و استخوان تشکیل شود. اوّل استخوان نیست و بعد گوشت. لطفاً بفرمایید چه نکته‌ای در این آیه وجود دارد؟]

این را در قرآن می‌گوید روی استخوان گوشت می‌دهد بله، همین را باید ببینید کدامش درست است. من از وقتی این آیه را خواندم یعنی به این قسمت توجّه کردم، همه را می‌گوید: «خلق کردیم» فَخَلَقْنَا الْمُضْغَةَ... در مورد گوشت نمی‌گوید گوشت آفریدیم؛ فَخَلَقْنَا الْمُضْغَةَ عِظاماً فَكَسَوْنَا الْعِظامَ لَحْماً (سوره مؤمنون، آیه ۱۴)، استخوان را آفریدیم، بعد این استخوان را لباس به آن پوشاندیم، لباسش بود. این چطوری است؟ یعنی فرقِ این گوشتی که روی استخوان است. آیا گوشت دیگری هم هست؟ ممکن است گوشت دیگری باشد. من امتحان کردم که چه فرق است. مرغ، جوجه که می‌خوریم خودِ جوجه نه، مرغ بزرگ یا قلم گوسفند، گوشتش وا می‌آید گوشتِ جاهای دیگر وا نمی‌آید، یک تکّه است. اینجا گوشت از استخوان وا می‌آید. قصّاب‌ها هم نگاه کنیم جایی است که آنجا را دیگر گوشت نمی‌کَنند. یک دست می‌کشند، کشیده می‌شود یعنی مثل اینکه این استخوان را با گوشت پوشاندند،

گوشت جزء آن نیست. گوشت‌های دیگر نه، اینطور نیست. پس معلوم می‌شود شاید دو رقم گوشت است، یک رقم گوشتی که خداوند خلق کرد، مثل آنجای دیگر، آنهای دیگر، مثل نطفه، علقه، مضغه ولی یک گوشتی هست که استخوان را پوشاند یعنی یک گوشتی قبل از استخوان، یک گوشتی بعد از استخوان. شاید اینطور باشد من خودم اینطور فکر کردم ولی من نه مفسّرم و نه طبیب. حالا نمی‌دانم چطوری به خودم اجازه می‌دهم بگویم؟ ولی گفتم و می‌گویم. حالا شماها اگر متخصّصِ این قسمت هستید، تحقیق کنید ببینید همینطوری است یا نه؟

در مورد مسأله‌ی لقاح مصنوعی. داستانی است، داستانِ مسخره که یک نکته‌ای دارد که ما باید بگیریم. کسی که اسم آن مندل بود و گیاه‌شناسی می‌کرد یا یکی دیگر بود. به‌هرجهت این درخت را به آن درخت، این گُل را به آن گُل، پیوند می‌کرد یک چیزهای جدیدی در می‌آورد، همان کاری که خودمان می‌کنیم. این را تحریم کردند، کلیسا حکم تکفیرش را داد. گفت: این زناکاری را در گیاهان هم رواج می‌دهد یعنی این گیاهی که اینطور می‌کند، زناکاری است! خیلی مسخره است ولی به‌صورت ظاهر اگر دقّت کنیم بله، این غیر از آن است. خود همین نشان‌دهنده‌ی تجانس خلقت‌هاست ولی انسان با هیچ حیوانی تجانس ندارد یعنی حیوانات دیگر را پیوند می‌کنند، انسان پیوند نمی‌شود، برای چه؟ برای خلقت انسان این آیه که خواندم، این آیه هست ولی برای هیچ حیوانی خلقت را نگفته چطوری است، فقط می‌گوید خلق کردیم. بنابراین ما همه‌ی این چیزهایی هم که می‌گیریم از این آیه است که این آیه هم برای انسان‌هاست. حالا اینها چیزهایی است که مربوط به این مطلب نیست ولی چیزهایی است که راجع به همین مطلب، دور و بر فکر آدم است. حالا شما هم راجع به اینها هر مطلبی فکر کردید بنویسید، بیاورید بخوانید که من یا باید بشنوم یا نوشته باشد، بخوانم برای اینکه در حافظه کُند هستم.

[دکتر: خودتان توفیق عنایت بفرمایید.]

توفیق. بله! ان‌شاءالله. نه، شما چون توفیق دارید خوب است، بیشتر از آنچه که الان کار می‌کنید، امکانِ کار کردن دارید. دقّت می‌کنید یک چیزهایی در می‌آورید ولی نه چیزهایی که همینطور به خاطرتان رسید، کسی یک چیزی از شما می‌پرسد جواب آن را بلد نیستید، نگاه می‌کنید یک جوابی در می‌آورید ولی درست به عمق مسائل نمی‌رسید و بروید برسید، خیلی متشکّرم.

اشخاصی که سِیری دارند، حالا چه صحیح و چه غیر صحیح، شیطانی، نکاتی می‌گویند راجع به خلقت، به‌خصوص در معراج‌ها که نوشتند. نکات جالب خیلی دارد، نکاتی قابل بحث و بررسی علمی، منتها ما، در علوم بعد از آنکه تقسیم‌بندی آن رشته‌های علوم خیلی دائر شد و هر کسی هم در یک رشته‌ی خاصّی دنبال می‌کرد، عیبش این است. همانطوری که ما الان در جامعه هر جامعه‌ای، هر ملّتی می‌گوید من مهمتر از همه هستم و من بهتر از همه هستم. آنقدر قبول ندارد که دیگران هم خوب هستند، می‌گوید: دیگران را ارزش برای‌شان قائل نیست. در مطالعات علمی هم علماء همینطور هستند، به آن علمی که دارند، خیلی معتقد هستند، حقّش هم هست. باید معتقد باشند هر چه بیشتر ولی به سایر چیزها به نظرِ تحقیر نگاه می‌کنند. این است که یک طبیب از کدامیک از آقایان اطبّاء همین مسأله‌ی معراج، معراج پیغمبر نه، آنکه می‌ترسد آدم حرفی بزند. معراج خُنّوخِ پیغمبر جدّ نوح،

آن هم معراج داشت و حالات و چیزهایی گفته. کدامیک از شما خواندید؟ هیچکدام نخواندید. چرا؟ نباید هم بخوانید، هیچکس هم به شما توصیه نکرده و نخواهد کرد که بروید خُنّوخ را بخوانید ولی حُسن اینجا این است که همه یک چیزهایی که نخواندیم و ندیدیم، دیگران به ما می‌گویند یادآوری می‌کنند، می‌خوانیم. خودِ همین می‌شود یک دایرةالمعارف یا جنبه‌ی اخوان‌الصفاء و به نظر من خیلی خوب است. فقط نقص شما این است که من هستم که هیچکدام نیستم ولی من هم سعی می‌کنم که مزاحم‌تان نباشم، امّا شماها قبول نمی‌کنید. من هیچی نمی‌گویم که شماها بگویید، حالا ان‌شاءالله کم‌کم به راه می‌افتید.

[دکتر: در مورد نطفه و علقه و مضغه حضرت سلطان‌علیشاه می‌فرمایند: در ابتدا پاره گوشتی است که که استخوان ندارد. می فرمایند استخوان‌ها تمایزدهنده‌ی گوشت در نقاط مختلف بدن هستند. ایشان می‌فرمایند عامل تمایزاستخوان‌ها هستند ولی تحقیق نشده استخوان‌ها هستند یا ژن؟]

بله، آقای سلطان‌علیشاه چون طبیب هم بودند اصلاً در واقع شغلشان بود و تقریباً قبل از قطبیّت طبابت هم، می‌کردند. در موقع قطبیّت هم همینطور. خیلی اوقات خودشان یک آبگوشتی درست می‌کردند؛ آبگوشت هم نه این آبگوشتی که ما می‌خوریم یک تکّه گوشت و نخود می‌ریختند در آب و به خیلی از مریض‌ها از همین می‌دادند و طبابت می‌کردند که این است که اینطور حرف‌ها را که ایشان می‌گویند خیلی مهم است برای اینکه هر دو جنبه را داشتند.

در کتابی که در شرح‌حال حاج ملّاهادی سبزواری نوشته شده، از آقای سلطان‌علیشاه به عنوان شاگرد ایشان، شاگرد اوّل ایشان، شاگرد مهم‌شان خیلی تعریف کرده همین نکات را، حالا عین این نه. منتها بعد می‌گوید که نه تنها این حاج ملّا سلطان‌محمّد بلکه فرزندش هم دارای نبوغی بود که اگر به او مجال می‌دادند که بماند، مسمومش نمی‌کردند، خیلی نبوغ و اثراتش از پدر هم بیشتر بود حالا این حرف را در این کتاب گفته است ولی نشان دهنده‌ی آن است که آقای سلطان‌علیشاه مطالبشان خیلی مورد توجّه قرار می‌گرفته است. (برگرفته از گفتارهای عرفانی، عصر شنبه، تاریخ ۱۳۹۴/۱۲/۸، جلسه پزشکان)

بیانات حضرت آقای حاج دکتر نورعلی تابنده (مجذوب علیشاه) شامل: جزوات گفتارهای عرفانی/ شرح رساله شریفه پندصالح/ شرح فرمایشات حضرت سجاد علیه‌السلام (شرح رساله حقوق)/ شرح فرمایشات حضرت صادق علیه‌السلام (تفسیر مصباح‌الشریعة و مفتاح‌الحقیقة)/ جزوات موضوعی (درباره‌ی استخاره، خانواده، حقوق مالی و عشریه، دعا، خواب و رویا، بیماری و شفا، روح، شیطان، آداب حضور در مجلس فقری، امربه‌معروف و نهی‌ازمنکر)/ جزوات رفع شبهات با گزیده‌هایی از بیانات/ جزوات پرسش و پاسخ با گزیده‌هایی از بیانات/ مکاتیب عرفانی (مجموعه‌ی پاسخ به نامه‌ها)/ مجموعه دستورالعمل‌ها و بیانیه‌ها/ شرح و تفسیر برخی از آیات قرآن کریم/ گفت‌وگوهای عرفانی (مجموعه‌ی مصاحبه‌ها) منتشرشده است.

جهت سفارش و دریافت جزوات از طریق شماره تلفن ۰۹۱۲ ۵۸۳ ۸۲۴۲ و یا سایت WWW.JOZVEH121.COM اقدام فرمایید. همچنین برای دریافت گزیده‌هایی از بیانات می‌توانید به کانال jozveh121@ در برنامه‌ی تلگرام بپیوندید.